

بالا گرفتن تنش، افزایش خطر جنگ

فرصتی برای سرکوب مبارزات مردم ما علیه نظام جنایت کار و فاسد جمهوری اسلامی ایران!

هفته گذشته، دولت ایالات متحده آمریکا در تداوم و تشدید تحریم ها و به دنبال تلاش برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران و با هدف فشار حداکثر به رژیم جمهوری اسلامی، صنایع آهن، فولاد، آلومینیم و مس را نیز به لیست تحریم ها اضافه کرد. همچنین در روزهای اخیر، ناو هواپیما بر "آبراهام لینکلن" و بمب افکن های "ب - 52"



عازم خلیج فارس شدند. جمهوری اسلامی نیز از یک سو ارتباطات خود با گروه های شبه نظامی تحت حمایتش در منطقه را فعالتر کرده و گفتمان تهدید آمیزش بر علیه آمریکا را شدت بخشیده و هشدار داده است که در صورت لزوم به منافع این کشور در سرتاسر دنیا و بخصوص در منطقه، ضربه های جدی وارد خواهد کرد. این تحریکات، خطر درگیری نظامی و بروز جنگ خانمانسوز در ایران و منطقه را افزایش داده است.

همزمان با اقدامات عملی تنش افزا، از یک طرف، سران و مسئولین نظامی و سیاسی دو کشور بر طبل جنگ و تحریکات متقابل می کوبند و زمینه ای فراهم می کنند که می تواند خواسته و یا ناخواسته در اثر جرقه ای، جنگ شعله ور شده، هزاران انسان بیگناه و کل منطقه را به کام مرگ و نیستی بکشاند و از طرف دیگر همدیگر را دعوت به مذاکره می کنند.

در روزهای اخیر همچنین شاهد قدرت نمایی و شاخ و شانه کشیدن های برخی از مقامات سپاه و بسیج و تحریکات متقابل برخی دیگر از طرفداران تشدید تحریم و طرفدار جنگ افروزی توسط شخصیت های نظامی ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و اسرائیل نیز بوده ایم. انتصاب دریادار علی فدوی به عنوان جانشین فرمانده کل سپاه با توجه به سابقه او (بازداشت ۱۰ ملوان آمریکایی در سال ۱۳۹۵) و محمد رضا نقدی به عنوان هماهنگ کننده سپاه پاسداران (با سابقه امنیتی و اطلاعاتی و رابطه خوبی که با فرماندهان حشد الشعبی دارد)، از جانب خامنه ای را می توان نمونه دیگری از این قدرت نمایی ها تعبیر کرد. هر چند یکی از اصلی ترین دلایل این گزینش ها،

می تواند هراس از شورش و اعتراضات مردمی و به نوعی اعلام آمادگی و تدارک برای سرکوب گسترده خیزش همگانی مردم باشد.

با توجه به تحریکات متقابل سران سیاسی نظامی دو کشور و نظرسنجی های گوناگون که نشان می دهند اکثریت مردم آمریکا موافق وارد شدن به یک جنگ دیگر و پرداخت هزینه های مالی و انسانی آن نیستند، بنظر میرسد که در وهله اول، ترامپ قصد دارد رژیم جمهوری اسلامی ایران را در موضعی کاملا ضعیف به پای میز مذاکره بکشاند و از آن به عنوان یک موفقیت در عرصه دیپلماسی خارجی استفاده انتخاباتی کند. رژیم ایران نیز علیرغم رجز خوانی ها، در پی راه و چاره ایست که با حفظ "آبروی نداشته" و با لاپوشانی موقعیت بحرانی وضعیفش، شرایط آمریکا را اندکی تعدیل نموده و با این کشور وارد مذاکره شود.

هر چند با این ارزیابی، در حال حاضر نمی توان "قریب الوقوع بودن" جنگ و درگیری نظامی را نتیجه گیری نمود اما باید در نظر داشت که در شرایط فعلی، منطقه خاورمیانه و بویژه حوزه خلیج فارس شبیه به بشکه ای از باروت است که هر اتفاق کوچکی می تواند باعث انفجار آن شده و منجر به درگیری نظامی بین ایران و آمریکا و همچنین برخی از کشورهای منطقه (عربستان سعودی، امارات متحده، قطر، اسرائیل و...) شود. ضمنا باید توجه داشت که آمریکا گزینه "جنگ محدود" به عبارتی بمباران نقاط استراتژیک ایران، را برای به زانو در آوردن و تسلیم کردن رژیم (نه الزاما سرنگونی آن)، در نظر داشته و منتفی نمی داند. البته در این صورت، مهار "جنگ محدود" و جلوگیری از گسترش و دامنه درگیریهای نظامی در منطقه بسیار دشوار به نظر می رسد.

در این فضای پرتنش، وضعیت ناهنجار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و مبارزات حق طلبانه مردم، اخبار و افکار عمومی در داخل و خارج، در سایه احتمال بروز درگیری نظامی و جنگ قرار گرفته اند. فاجعه سیل مرگبار و عواقب آن عملا به حاشیه رانده شده اند. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با بهره گیری از این اوضاع نه تنها به دستگیری و زندانی کردن فعالین سیاسی مدنی همچنان ادامه می دهد بلکه جنبش های اعتراضی مردم در خطر سرکوب بیشتر قرار گرفته اند.

"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"، صف آرای نظامی و وضعیت جنگی را بـ سود مردم ایران و منطقـ نمیداند و فکر میکند جنبشهای در حال اعتلای مردمی، بر اثر تشدید فشارهای پلیسی ناشی از جنگ، در تنگنای گسترده تری قرار گرفته و وادار بـ عقب نشینی میشوند. ما

همچنین ادامه و تشدید تحریم هایی که بار و فشار آن قبل از هرچیز بر دوش اقشار وسیعی از مردم سنگینی کند و نیز به ویژه درگیری نظامی و جنگ را قاطعانه محکوم کرده و ضمن رد و افشای اقدامات سطله جویانه و مداخله گرانه خارجی، به ویژه آمریکا، با صدای بلند اعلام می کنیم که مسئولیت اصلی این اوضاع فرسایشی، بحرانی، پرتنش و خطرناک، در درجه اول متوجه رژیم جمهوری اسلامی حاکم بر ایران می باشد.

مداخله گری این رژیم در امور داخلی کشورهای همسایه، تشکیل، استفاده و پشتیبانی از گروه های نظامی و شبه نظامی به عنوان ابزار سرکوب و ترور در داخل و عملیات تروریستی در خارج از مرزهای ایران، از عوامل اصلی ایجاد این شرایط بحرانی و خطرناک برای مردمان ایران و منطقه هستند. ما ضمن اعلام مخالفت با هرگونه دخالت خارجی در امور مربوط به حق تعیین سرنوشت مردم ایران، عمیقاً بر این باوریم که تنها راه برون رفت از بحران و تنش و سایر مصیبت هایی که مردم و جامعه ما طی ۴۰ سال متحمل آن شده اند، حرکت در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران با اتکا به نیروی توده ها می باشد.

نه به تنش، نه به جنگ

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” *

2 خرداد 1398 - 23 مه 2019

*- احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده : اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، کومه له زحمتکشان کردستان

میزگرد سیاسی و بحث آزاد

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

یکشنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۱۹ - از ساعت ۲۰:۳۰ تا ۲۳:۳۰

در تالار مجازی پالتالک

موضوع :

ضرورت اتحاد عمل نیروی های جمهوری خواه دمکرات
(نگاهی به فراخوان همکاری مشترک ده جریان جمهوری خواه و تفاهم
نامه مورد توافق آنان)

آغازگران بحث:

احمد ازاد: سازمان اتحاد فدائیان خلق

منا سیلاوی: سخنگوی حزب تضامن دمکراتیک اهواز

خسرو امیری: جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

سعید عزیزی: اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک

آدرس تالار مجازی

Paltalk

Asia and pacific -1

فراخوان بحث آزاد به میزگرد سیاسی و

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران برگزار
می‌کند

مبارزات مردم کشور ما علیه حکومت ناکارآمد و سرکوبگر جمهوری اسلامی هر روز ابعاد گسترده تری پیدا می‌کند. جمهوری اسلامی ناتوان از حل کوچکترین مشکل کشور، تنها راه حل بقای خود را سرکوب و فشار بیشتری بیند. مجموع شرایط بین المللی و داخلی حاکی از سقوط این نظام دینی و ضد انسانی است. یکی از دغدغه های مهم امروز اپوزیسیون، جامعه سیاسی و روشنفکری ما، نوع نظام و ساختار سیاسی آینده کشور در پسا جمهوری اسلامی است. برخی دولت متمرکز را عامل استبداد در ایران و راه حل را یک نظام غیر متمرکز می‌دانند. برخی نیز از یک سو با توجه به تنوع فرهنگی، زبانی و ملی/قومی در ایران و از سوی دیگر بی عدالتی و سرکوب مضاعف در مناطق مختلف کشور، راه حل را یک نظام فدراتیو می‌دانند.

در این راه ما با برگزاری جلسات بحث و گفتگو، سعی در روشن شدن زوایای گوناگون این موضوع حساس و مهم آینده کشورمان خواهیم کرد. لذا شما را به یک میزگرد و بحث آزاد دعوت می‌کنیم.

موضوع :

دولت غیر متمرکز و فدرالیسم

آغاز گران بحث:

کاوه آهنگری - احسان دهکردی - رئوف کعبی

زمان :

یکشنبه ۲۵ نوامبر از ساعت ۲۰:۰۰ تا ۲۳:۰۰ به وقت
اروپا

آدرس اتاق مجازی

Asia and pacific

IRAN

Jonbesh Jomhuri Khahan Democrat va Laic Iran

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

برنامه سخنرانی: حقوق بشر در
ایران. جمعه 23 نوامبر 2018 در
بروکسل

[توسط دانشگاه لائیک بروکسل و فدراسیون اروپا](#)

منشور سیاسی مصوب گردهمایی سراسری هشتم

منشور سیاسی

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

مصوبه گردهمایی سراسری هشتم

۲۶ و ۲۷ می ۲۰۱۸ - ۵ و ۶ خرداد ۱۳۹۷

- دفاع از حق حاکمیت مردم ایران، پایبندی به استقلال کشور و مخالفت با مداخله قدرت های خارجی در تعیین سرنوشت کشور.
- تلاش در راه استقرار جمهوری مبتنی بر انتخابات آزاد و همگانی با رأی مخفی، برابر و مستقیم شهروندان.
- سپردن اداره کشور به دست نمایندگان منتخب مردم. تفکیک و استقلال قوا، از جمله مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی و مجازی.
- پایبندی به اصل تناوب قدرت سیاسی و انتخابی بودن مسئولان و گردانندگان کشور.
- جدائی دولت و دین و مسلک. حفظ بیطرفی دولت نسبت به ادیان. نبود دین رسمی در قانون اساسی و سایر قوانین کشور. پایبندی به اصل آزادی ادیان، اعتقادات و وجدان.
- پایبندی به اصل بنیادین آزادی های فردی، از جمله آزادی گزینش شیوه زندگی، آرایش و پوشش. پذیرش و دفاع از حقوق و آزادی های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر (دسامبر ۱۹۴۸) و میثاق های مندرج در منشور بین المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶).
- تأمین آزادی های اجتماعی بنیادی، از جمله آزادی اندیشه، بیان و قلم و تشکیل سندیکاها و اتحادیه های صنفی، انجمن

- ها، احزاب و سازمان های سیاسی و دفاع از حق اعتصاب و تظاهرات.
- یکسان بودن تمام افراد جامعه در برابر قانون و برخورداری برابر از حقوق فردی و اجتماعی، مستقل از جنسیت، قومیت، اصل و نسب، زبان و کیش و مسلک. پذیرش و دفاع از مفاد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) و نیز مفاد اعلامیه حذف خشونت علیه زنان (۲۰ دسامبر ۱۹۹۳).
 - لغو مجازات اعدام و ممنوعیت هرگونه شکنجه و مجازات مغایر با شئون و حیثیت انسانی. پذیرش و دفاع از مفاد کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز (۱۰ دسامبر ۱۹۸۴).
 - پایبندی به گسترش عدالت اجتماعی، کاهش شکاف های طبقاتی، توزیع عادلانه ثروت و ریشه کن ساختن گرسنگی و فقر. تلاش در راه برخورداری هرچه گسترده تر و برابر شهروندان از خدمات آموزشی، درمانی و اجتماعی بنیادی.
 - تلاش در راه دستیابی به برابری زنان و مردان و حقوق برابر آنان در همه عرصه های زندگی اجتماعی به ویژه در نهادهای سیاسی، اجرائی و قانونگذاری با خلق فرصت های ویژه از جمله سهمیه بندی.
 - پایبندی به زدودن ستم ها، نابرابری ها و تبعیض های قومی، فرهنگی و زبانی. توزیع بایسته و عادلانه ثروت های ملی برای رفع محرومیت های دیرپای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اداری در راه دستیابی به رشدی موزون و پایدار در کشور. سپردن تصمیم گیری ها در امور محلی و منطقه ای به نهادهای منتخب ساکنان. عدم کارگیری قهر و خشونت در حل مسالمت آمیز مسائل ملی-قومی و گشودن مباحثه ای ملی جهت تعیین شکل و چارچوب مطلوب برای تحکیم همزیستی تاریخی و مسالمت آمیز مردم سراسر کشور (خودمختاری، فدرالیسم، انجمن های ایالتی و ولایتی ...). پذیرش و دفاع از مفاد اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، دینی و زبانی (۱۸ دسامبر ۱۹۹۲).
 - پاسداری از محیط زیست و سیانت از منابع طبیعی و کاهش آلودگی ها به عنوان شرط و معیار بهزیستی و رشد پایدار. هواداری از جایگزینی منابع انرژی و تولید حامل های انرژی پایدار به جای حامل های فسیلی. هزینه های عظیم اقتصادی ولطمت جبران ناپذیر برای محیط زیست، ورود به چرخه هسته ای، زندگی مردم و نسل های آینده میهن ما را به خطرمی اندازد.
 - پاسداری و مراقبت از میراث های تاریخی و فرهنگی که ثمر

تلاش‌ها و خلاقیت‌های مشترک مردمان ایرانند و امروز بار دیگر در معرض تعرض و تخریب و تحریف زمامداران متعصب قرار گرفته‌اند.

دفاع از صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها، در منطقه خاورمیانه و جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای.

راهبرد سیاسی

خواست ما، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به دست مردم ایران برای استقرار جمهوری، دموکراسی و لائیسیتِه (جدایی دولت* و دین) در ایران است. ما با تکیه بر شیوهی مسالمت‌آمیز مبارزه، از همه‌ی اشکال مبارزات و اعتراضات مردم برای آزادی و رهایی خود، از جمله قیام و انقلاب، پشتیبانی می‌کنیم. (* دولت در مفهوم سه قوای قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی و نهادهای همگانی).

لازم‌الاجرا گذار دموکراتیک به نظام جانشین، فراخواندن مجلس مؤسسان است که از طریق انتخابات آزاد و با رأی همگانی در شرایط تضمین کامل آزادی‌های فردی، اجتماعی و سیاسی تشکیل شود. مجلس مؤسسان، نوع نظام آینده را تعیین و قانون اساسی آنرا تدوین می‌کند و به همه پرسشی می‌گذارد. ما هوادار نظام جمهوری هستیم.

۲۶ و ۲۷ می ۲۰۱۸ - ۵ و ۶ خرداد ۱۳۹۷

سند سیاسی گردهمایی سراسری اول

سند سیاسی مصوب گردهمایی سراسری اول

جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

و این دو جنبه را می‌توان به گونه‌ای در نظر گرفت که در هر دو جنبه، آزادی و حقوق بشر در یک سو و امنیت و رفاه در سوی دیگر قرار دارند.

از این رو، می‌توان گفت که در هر دو جنبه، آزادی و حقوق بشر در یک سو و امنیت و رفاه در سوی دیگر قرار دارند. این دو جنبه را می‌توان به گونه‌ای در نظر گرفت که در هر دو جنبه، آزادی و حقوق بشر در یک سو و امنیت و رفاه در سوی دیگر قرار دارند.

الف. وجوه مشترک:

در کشور ما ایران، تنها با برچیدن جمهوری اسلامی و مبارزه برای استقرار يك جمهوری مبتنی بر انتخابات آزاد، همگانی با رأی مخفی برابر و مستقیم همه شهروندان، راه گذار به جمهوری، دموکراسی و تحقق آزادیها و حقوق مصرح در زیر هموار می‌شود:

- دفاع از استقلال کشور و حق حاکمیت مردم ایران و مخالفت با هرگونه مداخله خارجی در حق حاکمیت مردم و در تعیین سرنوشت کشور.

- پایبندی به اصل بنیادین آزادیهای فردی (از جمله آزادی پوشش).

- تعهد به حقوق و آزادیهای مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر [دسامبر ۱۹۴۸ - آذر ۱۳۲۷] و در میثاقهای پیوست آن [میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دسامبر ۱۹۶۶ - آذر ۱۳۴۵] و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دسامبر ۱۹۶۶ - آذر ۱۳۴۵]

تأمین آزادی ادیان، اعتقادات، وجدان، اندیشه، بیان، قلم، سندیکا، تشکل، اجتماعات، تظاهرات و اعتصاب.

- برابری حقوقی تمامی افراد جامعه مستقل از جنسیت، زبان، قومیت، اعتقاد، مسلک و شیوه زندگی.

- لغو مجازات اعدام و لغو هرگونه شکنجه و مجازات مغایر با شئون و حیثیت انسانی.

- جدایی دولت از دین و مسلک (ایدئولوژی). نبود دین رسمی.

- لغو هرگونه تبعیض جنسی و پیوستن به کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ - ۲۸ آذر ۱۳۵۸).

- ایجاد امکانات برای دستیابی به برابری زنان و مردان در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی از جمله در نهادهای سیاسی، اجرایی و قانونگذاری به شیوه‌های گوناگون خاصه سهمیه‌بندی.

- تأمین حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بنیادین که شرط لازم شهروندی برابر است (امنیت، معاش، مسکن، بهداشت، آموزش و کار). تحقق این حقوق منوط است به ایجاد شرایط لازم برای بهره‌برداری برابر تمام شهروندان از امکانات مادی و معنوی کشور.

- سازمانیابی قدرت سیاسی و دستگاه اداری با رعایت اصل تمرکززدائی و تکیه بر توسعه دموکراسی محلی. در هر محل و منطقه، تصمیم‌گیری در امور محلی و منطقه‌ای می‌بایست به نهادهای منتخب ساکنان (انجمنها، شوراهای و...) سپرده شود.

راهبردهای سیاسی:

۱- خواست ما این است که این نظام بیدادگر به شیوه‌ی مسالمت‌آمیز برچیده شود؛ هرچند که کارنامه‌ی خشونت‌بار آن از وجود چنین ظرفیتی حکایت نمی‌کند. ما از شکلهای گوناگون جنبشهای اعتراضی مردم علیه بیدادگری و ستم حمایت می‌کنیم و برین باوریم که در نهایت، شکل‌گذار را قدرت حاکم به جنبش مردم تحمیل می‌کند. قیام علیه جباریت حق مردم است.

۲- فراخواندن مجلس مؤسسان را لازمی گذاریم دموکراتیک به نظام جمهوری جانشین می‌دانیم. مجلس مؤسسان منتخب همه‌ی مردم است و بر مبنای انتخابات آزاد و با رأی مخفی و همگانی و در شرایط آزادی کامل مطبوعات، رسانه‌های گروهی، احزاب و سازمانهای سیاسی تشکیل می‌شود. مجلس مؤسسان نوع نظام جمهوری آینده را تعیین می‌کند و قانون اساسی آن را تدوین می‌کند و به همه‌پرسی عمومی می‌گذارد.

وجوه افتراق:

الف -

با توجه به اینکه کلیه حاضران بر نکات زیر توافق دارند که ایران کشوری است با قومیت‌های مختلف که همزیستی آنها در طی تاریخ همواره

از تبعیضات و نابرابریها و ستمگریهای گوناگون آسیب دیده است؛ و با توجه به اینکه از میان برداشتن نابرابریها و تبعیضات از لوازم حیاتی شکلگیری دموکراسی در ایران است و با اذعان به اینکه وابستگی به يك قومیت معین نباید به هیچ وجه مبنای امتیاز و یا موجب محرومیت در هیچ حوزه‌ای از واقعیت اجتماعی باشد، همه‌ی ایرانیان باید به زبان مادری خود سخن بگویند، بنویسند و بخوانند و آموزش ببینند و همه از آزادی کامل برای حفظ و شکوفایی فرهنگ خود برخوردار باشند و از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در اداره‌ی امور محلی و منطقه‌ای بهره مند بمانند. تحقق چنین شرایطی برای همبستگی مردم ایران جنبه‌ی حیاتی دارد.

این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است. این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است.

این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است. این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است.

این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است.

این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است.

این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است. این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است.

این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است. این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است.

این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است.

این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است. این سند در راستای تحقق اهداف و مقاصد اعلام شده در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است.

این روش‌ها می‌تواند به شما کمک کند تا به اهداف خود دست یابید. این روش‌ها شامل:

۱. تعیین اهداف مشخص و قابل اندازه‌گیری. ۲. برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف. ۳. پیگیری پیشرفت خود. ۴. ارزیابی نتایج. ۵. اصلاح روش‌ها در صورت لزوم.

این روش‌ها می‌تواند به شما کمک کند تا به اهداف خود دست یابید. این روش‌ها شامل:

۱. تعیین اهداف مشخص و قابل اندازه‌گیری. ۲. برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف. ۳. پیگیری پیشرفت خود. ۴. ارزیابی نتایج. ۵. اصلاح روش‌ها در صورت لزوم.

این روش‌ها می‌تواند به شما کمک کند تا به اهداف خود دست یابید. این روش‌ها شامل:

۱. تعیین اهداف مشخص و قابل اندازه‌گیری. ۲. برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف. ۳. پیگیری پیشرفت خود. ۴. ارزیابی نتایج. ۵. اصلاح روش‌ها در صورت لزوم.

ج-

این روش‌ها می‌تواند به شما کمک کند تا به اهداف خود دست یابید. این روش‌ها شامل:

۱. تعیین اهداف مشخص و قابل اندازه‌گیری. ۲. برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف. ۳. پیگیری پیشرفت خود. ۴. ارزیابی نتایج. ۵. اصلاح روش‌ها در صورت لزوم.

در طی ماه‌های آینده مسائل مورد افتراق موضوع بحث و گفتگوهای روشن‌گرانه قرار خواهد گرفت تا حصول به توافقی‌های عمومی‌تری را ممکن سازد.

* پیوسته پیوسته پیوسته :

این روش‌ها می‌تواند به شما کمک کند تا به اهداف خود دست یابید. این روش‌ها شامل:

بیانیه سیاسی گردهمایی سراسری هفتم

بیانیه سیاسی

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

تحلیلی از اوضاع ایران و خاورمیانه

گردهمایی سراسری هفتم

25 - 26 فوریه 2017 - 7 و 8 اسفند 1395

در آستانه سی و هشتمین سال حکومت استبداد مذهبی در ایران، شاهد تکرار و تداوم فشار بر شهروندان، سرکوب، دستگیری و به زندان انداختن مخالفان نظام خودکامه جمهوری اسلامی هستیم. وضعیت اسفبار و غیر انسانی حاکم بر زندان ها و ادامه صدور فلهای احکام ناعادلانه از سوی دستگاه قضایی اسلامی، تنها طی چند ماه اخیر چنان عرصه و امکان گذران روزهای اسارت را بر برخی از زندانیان سیاسی تنگ گردانیده که برای رساندن فریاد دادخواهی و شکایت از وضعیت غیر انسانی حاکم بر زندان به بیرون از محبس چاره را تنها دراعتصاب غذا یافته‌اند به این امید که با به خطر انداختن با ارزش ترین سرمایه هر انسان، یعنی جان خویش و استقبال از مرگ اختیاری، از سوئی زندانبانان جبار و کارگزاران و عاملان سرکوب و از سوی دیگر نیز شهروندان و تشکلهای حقوق بشری را از وضعیت غیر انسانی

که در آن گرفتار آمده‌اند با خبر ساخته و به واکنش وادار کنند

در این میان حکومت همچنان در کنار شیوهی همیشگی ضد انسانی "انکار" و حاشای اعتصاب‌ها و اعتراض‌های گوناگون در سطح جامعه، از حیل‌های رنگارنگ و حرب‌های گوناگون برای پیشبرد و تثبیت سیاست‌های سرکوب‌گرانه و ضد مردمی خود استفاده می‌کند.

دولت "اعتدال و امید" ترفند جدیدی بود که از کلاه شعبده‌ی حکومت تمامیت خواه و مستبد به‌در آمد تا پرده‌ی دیگری بشود برای ادامه نمایش تراژی کمیک حکومت اسلامی مبتنی بر حقوق بشر اسلامی و در نهایت سرگرم کردن و اغفال افراد جامعه‌ای تحت ستم که تنها شکل عدالت موجود برای ایشان در شراکت عمومی در فقر اقتصادی و محرومیت از حقوق ابتدائی انسانی و شهر وندی قابل لمس و مشاهده است.

از زمان روی کار آمدن حسن روحانی تا به امروز، حکومت‌گران شرایط اقتصادی و اجتماعی را برای کثیری از مردم ایران بویژه زحمتکشان، مزدبگیران، جوانان و دانشجویان سخت تر نموده‌اند. آن‌ها، با سرکوب، دستگیری، به زندان انداختن و اعدام فعالان و منتقدان سیاسی اجتماعی، نویسندگان، روزنامه نگاران و روشنفکران... به تشدید خفقان در جامعه دامن زده‌اند.

اکنون بیش از یک سال نیم از امضای توافق نامه هسته‌ای رژیم با شش قدرت جهانی (برجام) می‌گذرد. ما در بیانیه‌ی سیاسی ششمین گردهمایی سراسری خود (فوریه 2016 - اسفند 1394) پیرامون نتایج قابل انتظار این قرارداد، به صورت شرطی، نوشتیم: "این قرارداد [برجام] در صورتی که به نفع مردم ایران و به نفع منطقه خاور میانه و به نفع صلح و ثبات در منطقه باشد، می‌تواند به عنوان یک گام مثبت در جهت رفع تحریم‌ها و احیای اقتصاد ایران و به نفع مردم ایران و به نفع منطقه خاور میانه و به نفع صلح و ثبات در منطقه محسوب شود. اما امروز، با گذشت زمان، اغلب شواهد نشان می‌دهند که، گرچه خطر مداخله نظامی در ایران از سوی قدرت‌های بزرگ غربی کاهش یافته است، اما، به جز برخی سرمایه‌گذاری‌های خارجی که عموماً سودشان به جیب صاحبان زر و زور داخلی و خارجی می‌رود، هیچ یک از وعید و وعده‌های دولت روحانی به مردم در زمینه‌ی پایان یافتن کامل تحریم‌ها و به راه افتادن چرخ اقتصادی کشور متحقق نشده‌اند.

حال در چنین شرایطی است که "انتخابات" ریاست جمهوری ایران به زودی فرا خواهد رسید و ما بار دیگر شاهد مضحک‌ای غیر دموکراتیک

از سوی نظام برای کسب مشروعیت مردمی در چشم جهانیان برای خود خواهیم بود. و بار دیگر نیز ما باید با صدای بلند این نمایش رسوا و تکراری نظام دین سالار، مردم ستیز و آزادی‌گریز را افشا کنیم، و نیز در کنار این افشاگری از حربه تحریم نیز استفاده کرده و بر مرز بندی نظری و عملی خود با هرگونه توهم و ادعای اعتدال‌گرایی و اصلاح طلبی از طرف هر بخشی از قدرت حاکم، تاکید کنیم.

بی شک در انتخابات آینده، یکبار دیگر بخشی از فعالان سیاسی و اجتماعی، با چشم بستن بر کارنامه‌ی طولانی ضد مردمی رژیم در خلال سال های رعب و وحشت و سرکوب از طرف حکومت‌گران، به حمایت از "بلوک اعتدال گرا" لایب به انگیزه‌ی صف آراییی در برابر بخش تندروتر مبادرت خواهند نمود. اما تاریخ سی و هشت سال دین‌سالاری در ایران و تجربه جنبش ۸۸ نشان داده‌اند که حمایت و پشتیبانی از هر جناح یا جریان نزدیک به حکومت، پیشاپیش محکوم به شکست بوده و نتیجه‌ای جز تثبیت بیشتر و تقویت پایه‌های به باور ما پوسیده‌ی ساختار حکومت نظام ولایت فقیه در پی نخواهد داشت.

ما همواره در درازای تاریخ فعالیت خود در جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لایبک ایران از حق رأی واقعاً آزاد، عمومی و دموکراتیک مردم دفاع کرده و می‌کنیم، اما همواره نیز بر این باور بوده و هستیم که در چهارچوب قانون اساسی اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران و تا زمانی که چنین قانونی بر جامعه‌ی ایران حاکم است، دست یافتن به انتخاباتی واقعاً آزاد، دموکراتیک و برابانه غیر ممکن می‌باشد.

بحران جامعه‌ی ایران

بحران اقتصاد در ایران، طی یک سال گذشته، وخیم تر شده است. گرانی، بیکاری و تشدید فقر و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی پیامدهای آشکار سیاستهای اقتصادی جمهوری اسلامی است. با وجود اینکه نرخ تورم رسمی در آغاز امسال چیزی در حدود ۱۰ درصد اعلام گشته است اما رکود شدید و تعطیلی بسیاری از شرکت‌های تولیدی کوچک و بزرگ و اخراج دسته جمعی کارگران بخصوص کارگران زن، همچنان شدت یافته است.

گسترش خصوصی‌سازی‌ها، معافیت‌های مالیاتی، تغییر قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی به زیان کارگران، در اوایل سال گذشته این اوضاع را وخیم تر ساخته است. واگذاری مدارس، بیمارستان‌ها، راه‌ها و بنادر

کشور به بخش خصوصی، کاهش تعداد کارکنان دولتی و بکار گرفتن افراد فارغ التحصیل دانشگاهی به مدت دو سال با دستمزدهای نازل و ممنوعیت اشتغال اتباع خارجی که عمدتاً شامل کارگران و زحمتکشان افغانی می‌گردد، از برنامه‌های اقتصادی ضد اشتغالی رژیم جمهوری اسلامی است که نابسامانی‌های فراوانی در زندگی مردم ایجاد نموده است. در این میان طرح‌های ناموفق دولت روحانی هم برای به حرکت در آوردن چرخه تولید به هیچ وجه جلوی حرکت این روند منفی را نگرفته است.

بانکهای کشور هم که وظیفه دارند برای یه گردش در آوردن سرمایه در بنگاه‌های تولیدی و دیگر موسسات اقتصادی منابع مالی تامین کنند، خود با مشکلات غیر قابل حل روبرو هستند. زیرا که حدود نیمی از موجودی و دارائی‌های آنها به منظور کسب بیشتر و آسانتر سود، صرف خرید شرکتها، بنگاه‌ها و مستغلات شده، بخش بزرگ دیگری از آن منابع نیز بصورت وام به دولت و شرکتهای دولتی داده شده که اینها هم فعلاً توان بازپرداخت آنها را ندارند و بخش دیگری هم مطالبات معوقه بانکها از نهادها، بنیادها و وابستگان حکومتی است که اینها هم قصد بازپرداخت این بدهی‌های کلان را ندارند.

مسئله بار بیشتر مشکلات ناشی از این بحران اقتصادی و اجتماعی بر روی دوش اکثریتی بزرگ از مردم به‌ویژه کارگران و زحمتکشان و قشرهای محروم جامعه ایران است. در این زمینه، اشاره کنیم به:

- وضعیت اسفبار خانه‌های سالمندان، محل نگهداری پدران و مادران از کار افتاده و یا رانده شده از خانه؛
- وضعیت اسفبار بهداشت و درمان و کمبودهای فضایی بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و هزینه‌های سرسام‌آور درمان در ایران؛
- وضعیت اسفبار بازنشستگان و عدم توجه به افراد از کار افتاده ناشی از حوادث در محیط کار و عدم ایمنی کارگاه‌ها؛
- آمار بالای اختلال حواس و روان‌پریشی بر اثر فقر و تنگدستی؛
- فروپاشی کانون خانواده که منجر به بالا رفتن طلاق میشود؛
- وضعیت اسفبار خانواده‌های فعالین کارگری و معلمان و حقوق

بگیران که با زندانی شدن نان آور خانواده‌ها با توجه به میزان تورم کمر شکن از هستی ساقط می‌شوند...

تخریب جامعه مدنی و حقوق بشر

جمهوری اسلامی نزدیک به چهار دهه است که به طور آشکار حقوق بشر را زیر پا میگذارد و هر بار با تغییر دولت‌ها وضعیت حقوق بشر در ایران فاجعه انگیزتر می‌شود. آخرین رئیس جمهور حسن روحانی مدعی بر قراری آزادی و امنیت و رفاه و دفاع از حقوق بشر شد. چنان که پیش بینی می شد قول های اوبه طرفداران اصلاحات همه بی اساس بودند. همه آمار و اسناد و مدارک حکایت از می کنند که دامنه تجاوز به حقوق بشردر جمهوری اسلامی در یک سال گذشته بیش از پیش گسترش یافته است. زیرا اصل ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی در مغایرت و در جدال با حقوق بشرو جامعه مدنی است.

امروز مشاهده می کنیم که جامعه مدنی در جمهوری اسلامی تخریب شده است. همه ی آزادی های فردی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هنری و اقتصادی در جمهوری اسلامی قدغن است. احزاب نیز مانند سندیکاها نمی‌توانند فعالیت داشته باشد. تبعیضات قومی کماکان در همه ایالات ایران وجود دارد، آزادی اندیشه و ایمان افراد و گروه های اجتماعی به رسمیت شناخته نمی شوند. (تجاوز به ماده ۲ و به ماده ۶۶ از اعلامیه جهانی حقوق بشر) آزادی ورود و خروج از کشور در جمهوری اسلامی تحدید شده است. شهروندان دگراندیش و مخالفان رژیم قادر نمی باشند به طور آزادانه از کشور خارج و به آن داخل شوند. (تجاوز به ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

روزمره اشکال گوناگون احکام تنبیه های خودسرانه بدنی، توسط دادگاه های اسلامی، بطور یک طرفه وبدون وکیل مدافع صادر و اجرا میشوند این احکام در تضاد با حق برخورداری از حق دادگاه عادلانه میباشد. (تجاوز به ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر) مامورین دولت در جمهوری اسلامی با دخالت خودسرانه در زندگی خصوصی آسایش و آزادی های فردی را در جامعه زیر پا میگذارد. (تجاوز به ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر) در جمهوری اسلامی زنان و مردان از حقوق برابر برخوردار نمی باشند. تاکنون قدمی جدی برای تحقق برابری جنسی از سوی دستگاه حاکم برداشته نشده است، زنان ایرانی همچنان شاهد نقض متعدد حقوق خود مانند همسر آزاری، پوشش اجباری، اعدام، ستم های ناشی از قوانین اسلامی، تبعیض های اجتماعی و فرهنگی و حقوق کار، سرپرستی خانوادگی و ... هستند. (تجاوز به ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق

بشر) اخبار تجاوز به حقوق کار و کارگران در سال ۲۰۱۶ پرشمار است. در این کشور هنوز آزادی یک سندیکای مستقل رعایت نمی شود. عضویت در سندیکا مستقل آزاد نیست. (تجاوز به ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر). رهبران منتخب سندیکا های کارگری، یا در زندانند و یا بیکار و خانه نشینند. تجمعات، اعتراضات و اعتصابات کارگری توسط قوای دولتی بطور سامان یافته سرکوب می شوند.

همه تحقیقات علمی نشان می دهد که برنامه ریزی درست آموزش و پرورش رایگان از رشد فقر و خشونت و بی عدالتی و انحطاط اخلاقی جلوگیری کرده و کودکان و جوانان را آماده سازندگی و پیشرفت آینده ی کشور می کند. در جمهوری اسلامی خانواده ها امکان کافی برای فرستادن کودکان به مدارس را ندارند، خانواده های تنگدست و فقیر مجبورند کودکان خود را به جای آموزش و پرورش، از سنین بسیار پایین برای کسب درآمد و تامین احتیاجات خانواده به کار بگمارند. در مدارس و دانشگاه ها علاوه بر تبعیضات فرهنگی و مالی، امکانات لازم برای اداره امور فراهم نمی شود. بودجه مربوط به آموزش، کفایت اداره مدارس دولتی را نمی کنند. در مدارس غیردولتی هزینه آموزش کمر شکن است. در عوض مدارس دینی، از همه امکانات لازم برای پرورش مبلغین مذهبی برخوردارند. وضعیت شغلی ورفاهی معلمان و اساتید بسیار نامناسب است. از سوی دیگر معلمان و اساتید دانشگاه را جمهوری اسلامی به خاطر عقاید سیاسیشان از کار بیکار میکند. این عمل در تناقض و مغایرت با ماده ۱۳ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، که بر اساس آن دولت ها ملزومند آزادی علمی و استقلال دانشگاه ها را تضمین کنند.

دولت جمهوری اسلامی ایران کماکان در ردیف بالای اعدام افراد پایین ۱۸ سال قرار دارد. از نظر قوانین بین المللی مجازات اعدام برای کودکان زیر ۱۸ سال غیرقانونی است و دولت ایران پیمان نامه جهانی حقوق کودک را در ۱۴/۶/۱۳۷۰ امضا کرده و در ۱/۱۲/۱۳۷۲ این تعهدنامه بین المللی ب[] تصویب مجلس رسیده است. طبق ماده ۳۷ این پیمان نامه اجرای مجازات اعدام و حبس های طولانی مدت و ابد بدون امکان آزادی برای کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع است. عدم توجه به آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان و ترویج خشونت در جامعه بر اساس مبانی قانون عقب افتاده قصاص، عوامل مهم گسترش فساد و اعمال خشونت و ارتکاب به جرم و جنایت در سنین پایین ۱۸ سالگی است. با وجود اینکه جمهوری اسلامی خودش پدید آورنده اصلی این وضعیت می باشد، طی سال های متمادی، بر خلاف قوانین بین المللی، کودکان را

اعدام و یا به حبس های طولانی مدت محکوم می‌کند. زیرا در جمهوری اسلامی بر اساس فقه اسلامی سن مسئولیت کیفری کودکان برای دختران ۹ و برای پسران ۱۵ سالگی است.

حکم اعدام که از نظر ما قتل عمد دولتی محسوب می‌شود، صدور و اجرای احکام اعدام کماکان در ایران ادامه دارد و جمهوری اسلامی یکی از کشورهای است که همواره در ردیف بالای کشورهای اعدام کننده ی قرار داشته است. اگر چه رقم دقیق اعدام شدگان در جمهوری اسلامی مشخص نیست، اما بر اساس ارقام به دست آمده توسط سازمان های حقوق بشری فقط در سال ۲۰۱۵ تعداد اعدام شدگان به بیش از ۹۰۰ نفر تخمین زده شده است. افزایش اعدام شدگان در سال ۲۰۱۶ مورد تایید مقامات حقوق بشری می باشد.

متأسفانه علیرغم همه ی این تجاوزات به حقوق انسانی سازمان ملل در مورد دفاع از حقوق بشر به درستی انجام وظیفه نمی کند. مطبوعات و شبکه های خبری به بسیاری از گزارشهای حقوق بشری با کم توجهی و بی تفاوتی برخورد می‌کنند. برای بخش بزرگی از رهبران سیاسی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی حقیقی و مجازی، تجاوز به حقوق انسانی از اهمیت لازم برخوردار نیست. مقامات بین المللی، افکار عمومی جهان، دولت‌های اروپایی و اتحادیه اروپا در یک سال گذشته در زمینه گسترش نقض حقوق بشرگام‌های مفیدی بر نداشته اند. ما خواستار لغو فوری حکم اعدام در ایران و اجرای تمام و کمال منشور جهانی حقوق بشر و همه ی الحاقیه های آن می باشیم.

اوضاع زنان ایران و جنبش آنان

جنبش زنان در ایران در عرصه نظری و عرصه عملی با همان مشکلات و معضلاتی روبروست که دیگر بخش های جنبش اجتماعی ایران با آن درگیر می باشند. سرکوب جنبش زنان، معضلات اقتصادی و راندن زنان از صحنه کار و تحصیل و فعالیت و وضع قوانین زن ستیز و دو دستگیری و شکنجه و و و و و همه مانعی بزرگی در برابر مبارزات و متشکل شدن زنان در سطح کلان جامعه ایران می باشد. قوانین ضد زنی که زمانی که به خانواده و اشتغال مرتبط می گردد به پدیده ای موسوم به " ازدواج سفید" می انجامد. زنانه شدن چهره فقر، افزایش سرسام آور طلاق، اعتیاد، فحشا، اسیدپاشی، جداسازی جنسیتی و پدیدار شدن مقوله زنان بی خانمان که به کارتن خواب ها معروف شده اند و سخن از عقیم سازی این دردمندان می رود، نمونه های بارزی از برخورد های ضد بشری و عقب مانده حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

هم اکنون طبق آمار های دولتی نسبت به کل جمعیت ایران یک و نیم میلیون زن مطلقه و بیوه وجود دارند که از این تعداد دو میلیون و پانصد هزار نفر آنان زن سرپرست خانوار می باشند. بر اساس آمارگیری مرکز آمار ایران در رابطه با نیروی کار زنان، نرخ بیکاری در این دوره معادل ده و سه درصد و تعداد بیکاران نیز بیش از دو میلیون و چهارصد و یک هزار نفر بوده است. بالاترین نرخ بیکاری در دوره مورد بررسی مربوط به زنان گروه سنی بیست تا بیست و چهار سال می باشد.

در حال حاضر از میان کل زنان شاغل کشور و از میان زنان دارای تحصیلات عالی شش و شصت و شش درصد در بخش آموزش و شش و دوازده درصد نیز در بخش بهداشت، مددکاری اجتماعی و فقط هشت و هشت درصد در سایر بخشها به کار اشتغال دارند. تعداد کل زندانیان ایران در حال حاضر دویست و بیست و چهار هزار و ششصد نفر اعلام شده است و این در حالی است که ظرفیت رسمی زندانهای کشور، صد و چهل هزار نفر می باشد. از این تعداد زندانی طبق آمار رژیم سه و یک درصد زنان زندانی می باشند.

شرایط زنان زندانی سیاسی در زندانهای ایران بسیار بدتر و سخت تر از زنان زندانی عادی و حتی مردان زندانی سیاسی است. و بدلیل زن بودن در نظام زن ستیز جمهوری اسلامی بر زنان و بطور خاص زنان مخالف رژیم فشارهای مضاعفی وارد می شود. کمترین فشارها توهین، تحقیر و ناسزا و شکنجه روحی و روانی است که هر زندانی زن از طرف تک تک زندانبانان تا حکام شرع متحمل می شوند. لازم به ذکر است که نام تمامی زنان زندانی سیاسی در منابع مهم داخل و خارج از کشور ذکر شده است.

با این حال و با تمام مشکلات پیش روی جنبش زنان و علارغم همه کاستی‌هایی که تا کنون بر این جنبش تحمیل شده است، این جنبش وجه مهمی از جنبش آزادی‌خواهی است و ارتقای سیاسی و فرهنگی جامعه ایرانی، بدون ارتقای جنبش زنان ممکن نخواهد بود.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لاییک ایران بر این باور است که جدایی دین و دولت و پدیداری جامعه ای‌لاییک ایده‌آل هر جامعه مدنی است و حتی اگر مردم عادی ایران نتوانند این ضرورت را بدرستی فرموله نمایند اما در زندگی روزمره خویش بخوبی انرا درک می نمایند و میدانند که جامعه ای هیچگاه آزاد نخواهد بود اگر که نیمی از شهروندان آن جامعه یعنی زنان از حقوق سیاسی و اجتماعی و

فردی خویش برخوردار نباشند. لذا به باور ما استراتژی جنبش زنان پیش از هرچیزی باید وظیفه آگاه‌سازی اجتماعی و ضرورت تغییر را شامل شود. بدین معنی که با اعتراض به تجربه عینی زنان که روزمرگی اهانت به حضور انسانی و اجتماعی شان است شرایط را مورد حمله قرار داده و به قوانین متحجر حاکم برخوردی معترضانه داشته و به ارائه راه‌های عملی برای تشکل‌یابی این جنبش در سطوح خرد و کلان دست زنند.

اوضاع زحمتکشان و جنبش‌های کارگری

سیاست‌های ضد کارگری در ایران با توسل به ابزار و شیوه‌های گوناگون، از جمله تعیین حداقل دستمزد کارگران به میزان کمتر از یک چهارم خط فقر، کاهش حقوق و دستمزدهای واقعی، رواج باز هم بیشتر قراردادهای موقت کار، افزایش بهای کالاها و خدمات عمومی، حذف یارانه‌ها، پولی کردن بخش دیگری از خدمات دولتی، اخاذی‌های بیشتر به شکل عوارض و مالیات‌های افزون‌تر و ... انجام می‌گیرند.

مبارزه کارگران، طی یکسال گذشته، همچنان ادامه و گسترش یافته است و کماکان تلاشگران کارگری بخش فعال جنبش‌های اجتماعی در این دوره بوده‌اند. امسال نسبت به سال گذشته نیز، حرکتها و اعتراضات کارگری دامنه وسیع تری به خود گرفته است. به طوری که سردمداران رژیم بارها، نگرانی خویش را از افزایش تجمعات صنفی کارگران و امکان تبدیل این تجمعات به اعتراضات سیاسی ابراز کرده‌اند. گسترش مبارزات کارگری که در ارتباط مستقیم با بحران اقتصادی حاکم، اخراجها و تحمیل شرایط غیر انسانی بر انبوه کارگران و زحمتکشان است، به رغم همه سرکوبگریها و اقدامات وحشیانه ارگانها و عوامل حکومتی صورت گرفته است. سیاست‌های خشونت‌آمیز حکومتی مانند شلاق زدن ۱۷ کارگر معترض معدن آق دره و محکومیت تعداد زیاد دیگری از کارگران به شلاق و زندان از جمله کارگران معدن چادرملو، کارگران معدن سنگ آهن بافق، کارگران نانوانی سنندج، حبس تعدادی از فعالان کارگری و سندیکائی و صدور حکم زندان برای تعداد بیشتری از آنها، فشار و تضيیقات شدید در زندانها و ... هم مانع از رشد و گسترش جنبش کارگری نشده است. در واقع، اجرای حکم شلاق خود موجب اعتراضات وسیع فعالان کارگری در داخل و همچنین در خارج کشور، علیه گردانندگان دستگاه قضائی رژیم بوده است. حبس فعالان کارگری و در مقابل، مقاومت و اعتصاب غذا از جانب زندانیان سیاسی، از جمله جعفر عظیمزاده، فعال کارگری و سندیکائی و نامه اعتراضی بیش از ۳۵۰۰ فعال کارگری، در بهار

امسال کارزار مبارزاتی وسیعی را در داخل و خارج، به دنبال داشته است.

اعتراضات و اعتصابات کارگری، که تعداد زیادی از واحدهای بزرگ چند هزار نفری را هم دربرگرفته، در این دوره هم، عمدتاً در زمینه دفاع از حقوق ابتدائی انسانی، صنفی و اجتماعی شان، در مورد عدم پرداخت بموقع دستمزدها، نبود امنیت شغلی، جلوگیری از اخراجها و تعطیل شدن کارگاه ها و ... بوده است. در اعتراض به تغییرات قانون کار به زیان کارگران، تعیین حداقل دستمزد، و همچنین در ارتباط با محدودیتهای سیاسی وارده از طرف رژیم در اول ماه مه، تظاهرات و حرکتیهای زیادی در این دوره صورت گرفته است. اعتصابات همزمان کارگران در چند واحد و چند شهر و منطقه (مثلاً در مجتمع های پتروشیمی) و پیوستن خانواده های کارگران به تظاهرات و اعتراضات کارگری و برگزاری تجمعات شبانه روزی نیز رو به گسترش بوده است. در همین دوره، همچنین برخی کارخانه ها و موسسات مهم و حساس صنعتی، چون پالایشگاه ها، برق، مخابرات، حمل و نقل و شهرداری ها نیز عرصه حرکتها و اعتراضات کارگران ایران بوده، ضمن آنکه تلاش برای حفظ، گسترش و یا پی ریزی تشکلهای مستقل کارگری هم ادامه داشته است.

درهم شکستن مقاومت کارگران واحدهای تولیدی بحران زده و دارای مشکل دستمزدهای معوقه، در دوره ای از رویارویی های فرسایشی، از طریق طرح وعده های دروغین، وقت کشی، ضرب و شتم و بازداشت نمایندگان و سخنگویان معترضان، جلوگیری از تجمع و تحصن، جایگزین کردن علل الحسابه به جای پرداخت دستمزد معوقه با هدف ادامه بهره کشی تقریباً رایگان تا لحظه ورشکستگی کامل واحد، به راهکارهای اصلی رژیم تبدیل شده است. کارگران تنها از طریق اتحاد و تشکل سراسری صفوف خود وهمبستگی متقابل همه بخش های کارگری می توانند به شکل موثر در برابر تهاجم بیرحمانه دولت جمهوری اسلامی به مقاومت پرداخته و در پیکارهای پیش رو به موفقیت دست یابند.

ما در جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لاییک ایران از مطالبات حق طلبانه و دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران، از جنبشهای آنان برای احقاق حقوق مسلم خود و آزادی های مدنی و هم چنین از مبارزات آنان برای ایجاد سندیکاها و تشکل های مستقل خود، از دولت و کارفرمایان، حمایت می کنیم.

اوضاع اقوام ایران و مبارزات آنان علیه تبعیض

ستیز خشونت‌بار روحانیت شیعی و پیروان متعصب آنها قرار داشته‌اند. با استقرار حکومت اسلامی - شیعی در ایران، تعقیب و اعمال فشار و ترد و "پاکسازی" بهائیان در پهنه جامعه بطور علنی در دستور کار دستگاه‌های تبعیض‌گرای تکثر ستیز حکومتی قرار گرفت. برکناری پیروان این دین از مشاغل رسمی و غیررسمی، مصادره اموال آنها، سلب اجازه کسب و دستگیری و براساس اتهامات پوچ محکوم کردنشان در بیدادگاه‌ها به زندان وحتى به اعدام نمونه‌های برجسته‌ای از این سیاست‌های نظام تمام خواه جمهوری اسلامی می‌باشند. به تنهایی در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی که از جمله با وعده تحقق "حقوق شهروندی" به روی کارآمد، تا کنون حداقل 890 فقره تبعیض علیه بهائیان به اجرا درآمده است.

با اینکه بنا به متن قران، مذاهب اهل کتاب و نیز بر پایه اصل 13 قانون اساسی جمهوری اسلامی " ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های مذهبی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزاد هستند" و بنابراین در برابر سرکوب و اختناق تا حدود زیادی رسماً باید مصون باشند؛ اما پیگرد، زندان و اعدام محدود به بهائیان نمانده بلکه فراتر رفته و با تشدید اختلافات و مناقشات رژیم با دولت‌های منطقه حتی مذاهب به رسمیت شناخته شده نیز مانند یهودیان و اهل سنت زیر فشارها و پیگردهای نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی قرار دارند.

کنشگران حقوق کودک

هر ساله در صدی از کودکان به دلایل مختلف ترک تحصیل می‌کنند و به کارهایی مانند واکسزنی، پاک کردن شیشه ماشین، باد کنک فروشی، آدامس فروشی، جمع آوری نان خشک و وسایل فلزی در زباله‌ها و فال فروشی در سر چهار راه‌ها، بازارها و یا مکان‌های شلوغ و پر ترافیک می‌پردازند و ساعت‌های طولانی در معرض آلودگی‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

بنا بر آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران در سال 1392، یک میلیون هفت صد هزار کودک در ایران به صورت مستقیم در گیر کار هستند. شمار کودکان کار در ایران به دلایل گوناگون در حال افزایش است، اما آمار دقیقی از تعداد آنها در دست نیست. کنشگران حقوق کودکان بارها خواستار رسیدگی مسئولان برای "جلوگیری از ورود این کودکان به چرخه آسیب‌های اجتماعی" شده‌اند.

در چند سال اخیر، بسیاری از کنشگران حقوق کودک در ایران به دلیل فعالیتهای اجتماعی خود بازداشت شده‌اند و به اتهام‌های مختلف، ماه‌ها در زندان و زیر فشارهای گوناگون جسمی و روانی به سر برده‌اند و این در حالی است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 1989 (1368) به اتفاق آراء پیمان‌نامه حقوق کودک را تصویب کرد. ماده 32 این پیمان‌نامه، دولت‌های عضو را موظف نموده است که با هر گونه سؤاستفاده و بهره‌کشی اقتصادی از کودکان مقابله نموده و زمینه‌های رشد ذهنی، جسمی، روانی و اجتماعی تمام کودکان را فراهم کند.

بحران محیط زیست

روزانه رسانه‌ها از آسیب‌های فزاینده و گوناگون محیط زیستی ناشی از افزایش میانگین دمای کره زمین خبر می‌دهند. بنا به گزارش "موسسه منابع جهانی" خاورمیانه به علت زوال منابع آبی و امواج مرگبار هوای گرم، با جمعیتی بالغ بر 350 میلیون نفر، مواجه با حادثترین بحران‌های محیط زیستی است و در 25 سال آینده با خشکسالی شدیدی روبرو خواهد شد. با خشک شدن هورها و نابودی تدریجی تالاب‌ها بر اثر سد سازی‌های بیشمار و ناکارائی مدیریت و نبود برنامه‌ها و شیوه‌های علمی پیشرفته بهره برداری پایدار از منابع محلی خشکسالی تشدید پیدا خواهد کرد. گسترش بیابانزائی موجب کوچ میلیونی آوارگان و مهاجرین به شهرها و کشورهای مجاور می‌شود که این امر به نوبه خود رشد اقتصادی و امنیت این مناطق را با خطرهای جدی روبرو می‌سازد .

با تغییرات سوخت و ساز طبیعت در نتیجه اجرای برنامه‌های توسعه ناپایدار تخریبی مبتنی بر استثمار منابع انسانی و طبیعی به قصد سود افزائی از یک سو و از سوی دیگر آسیب‌های بی‌آرامده از جنگ‌های خانمان سوز بر سر حفظ منافع قدرت‌های جهانی برسر تقسیم ثروت‌های حاصل از چپاول منابع منطقه خاورمیانه، زندگی ساکنین این بخش از جهان در برابر معضلات فاجعه باری قرار گرفته است. انواع آلودگی‌ها (هوا، غذا، خاک و آب) از جمله ابعاد این فرایند بشمار می‌آیند . به گزارش "سازمان بهداشت جهانی" سالانه تعداد تلفات انسانی ناشی از آلودگی هوا به تنهایی بالغ بر بیش از 7 میلیون نفر می‌باشد.

در ایران، به عنوان یکی از آلوده‌ترین کشورهای منطقه، تلفات این آلودگی بنا به آمار منتشر شده خبرگزاری "ایسنا" به بیش از 45 هزار نفر و به گزارش "سازمان بهداشت جهانی" این تعداد به بیش از

80 هزار نفر تخمین زده شده است. به گفته رئیس سازمان محیط زیست، ایران هفتمین کشور تولید کننده گازهای گلخانه‌ای است. تحت این شرایط، ساکنین شهرها و چه بسا مناطق روستائی کشور به علت آلودگی هوا و تراکم ریزگردها از هوای سالم برای ادامه زندگی فلاکت‌بار روزمره نیز محرومند. براساس بررسی‌های "سازمان بهداشت جهانی"، از کلان شهرهای ایران برخی شهرها مانند اهواز، سنندج و تهران به لحاظ میزان سالانه ذرات گرد و غبار معلق در هوا از میان 1100 شهر جهان در رده آلوده ترین شهرها قرار دارند. سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی در سال 93 از 22 استان که در معرض امواج ریزگردها قرار دارند گزارش داد که در اثر این ریزگردها میلیون‌ها نفر از ساکنین شهرهای این استان‌ها با پیامدهای مرگبار آلودگی هوا دست‌بگیرباندند.

بنا به آمار منتشره از طرف "موسسه منابع جهانی" در سال 1394 از 33 کشوری که در جهان با تنش‌های آبی درگیرند 14 کشور در منطقه خاورمیانه قراردارند. به گمان کارشناسان اقلیمی تا سال 2040 به احتمال زیاد این کشورها بطور کلی منابع آبی خود را از دست خواهند داد. ایران با کاهش میزان بارندگی بیش از 8% نسبت به میانگین دراز مدت و افزایش دمای هوا و تبخیر آب‌های سطحی کشور مهمترین دریاچه‌ها مانند بختگان، ارومیه، هامون و نیز رودخانه‌هایی مانند کارون، زاینده رود، هیرمند در حال خشک شدن‌اند. با کاهش ورودی آب، بنا به آمارهای دولتی، آب سدها به 60% و آب چاه‌ها به 20% تقلیل یافته است. با کمبود آب سدهای "دوستی" در استان خراسان، "درود زن" و "ملا صدرا" در استان فارس، "زاینده رود" در استان اصفهان و "شمبل وینان" در استان هرمزگان بسیاری از مناطق روستائی و شهری مناطق حومه این سدها با مشکل کمبود آب و به ویژه تأمین آب آشامیدنی روبرو شده‌اند.

فقدان اقدامات عاجل و ضروری درچارچوب برنامه‌های لازم و پایدار برای حل مشکلات و معضلات ناشی از "بحران آب" منجر به برآمد حرکت‌های اعتراضی به حق مردم شده که هر بار با شدیدترین هجوم سرکوبگرانه نیروهای دولتی روبرو بوده‌اند. برای نمونه درگیری خونین مردم شهر بلداجی در استان چهارمحال بختیاری در اعتراض به انتقال آب از تالاب چغاخور برای پروژه بزرگ فولاد دشت سفید در تابستان امسال نمونه‌ای از یورش پلیس ضدشورش می‌باشد. به گزارش خبرگزاری "ایلنا"، 16 استان کشور در حال حاضر در زیر خط قرمز "بحران آب" قرار دارند. در اثر ضایعات حاصل از این بحران، روستائیان بسیاری

از این استان‌ها به خصوص ساکنین روستاهای استان‌های جنوبی و شرقی و شمال شرقی کشور مجبور به ترک محل زندگی خود شدند و به حاشیه شهرها مهاجرت کرده اند. در حالیکه به گفته وزیر نیرو، خشکسالی 500 شهر ایران را تهدید میکند و همچنین بنا به آمارهای انتشار یافته از 70% جمعیت روستا نشین سراسر کشور در سال 1335 امروز تنها 28% از جمعیت در روستاها زندگی می کنند و به گزارش رسانه ها 42 هزار روستای کشور خالی از سکنه شده و از آنها متروکه‌ای بیش باقی نمانده است.

در پی مبارزات پیگیر کنشگران جنبش حفظ محیط زیست، امروز حق بهره‌مندی از آب و هوای سالم و پاک به عنوان حق مسلم هر انسان شناخته می شود. جلوگیری از تخریب سلامت روحی و جسمی شهروندان و حفظ و حراست از طبیعت بوسیله ایجاد زمینه‌های لازم از وظایف مبرم یک حاکمیت مردم سالار به شمار می‌آید. بیشک تحقق این حق قبل از هر چیز در گرو نظارت مستقیم و آگاهانه شهروندان و مشارکت آنان در پروژه‌های بازسازی منابع طبیعی و احیای آنهاست. رژیم خودکامه و سرکوبگر جمهوری اسلامی طی بیش از سه دهه حاکمیت خود با اجرای سیاست‌های متکی بر نفت و اجرای طرح‌های تخریب کننده، طبیعت و سلامت انسانی را در ایران با خطر نابودی روبرو ساخته است. در چنین وضعیتی شرط لازم دستیابی به راه‌کارهای ضروری برای برون رفت از بحران محیط زیست، ایجاد همکاری‌های فراملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. بدون استفاده از دستاوردهای نهادهای مدنی و جنبش‌های حفظ محیط زیست جامعه جهانی و بکارگیری طرح‌های موثر بر پژوهش‌های علمی متناسب با شرایط ویژه منطقه‌ای نمی‌توان به راه‌حل‌های موثر و پایدار دست پیدا کرد. بی‌تردید در منطقه خاورمیانه ایجاد زمینه هرگونه همکاری تنگاتنگ قبل از هر چیز نیازمند به همزیستی مسالمت‌آمیز مردمان منطقه و گسترش روابط دوستانه با جامعه جهانی است که مغایر با سیاست‌های دموکراسی ستیز داخلی و برتری طلبانه منطقه‌ای و تنش‌زای خارجی جمهوری اسلامی می‌باشد. رفع آسیب‌های محیط زیستی و جلوگیری از پیامدهای مخرب آن در ایران و منطقه خاورمیانه به منظور بازسازی محیط زیست شایسته و در خور بشری بدون تحقق مشارکت مردم و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی و همچنین برقراری صلح ممکن نخواهد شد.

بحران خاورمیانه: منطق قدرت‌ها، منطق جنبش‌ها

خاورمیانه امروز، تبدیل به کانون اصلی تعارض قدرت‌ها برای تأمین منافع خود و اعمال سلطه و ستم بر مردمان این منطقه شده است. در

سال‌های اخیر، جنگ سوریه، جهادگرایی اسلامی و مداخلات قدرت‌ها، از جمله مداخله‌ی نظامی و سیادت‌طلبانه‌ی رژیم جمهوری اسلامی ایران در منطقه، شاخص‌های اصلی بحران خاورمیانه را تشکیل داده‌اند.

1- در سوریه، ما شاهد اولین جنگ بزرگ سده‌ی بست و یکم بوده‌ایم: هم از دید بازی بُرد و باختِ قدرت‌ها در زمینه‌ی ژئوپولیتیک و هم از نگاه تعداد بی‌شمار قربانیان، دامنه‌ی وسیع پناهندگان جنگی، ویرانی شهرها، نابودی ثروت‌های انسانی، فرهنگی، باستانی، معنوی، مادی و غیره. آمارها از بیش از سیصد هزار کشته حکایت می‌کنند. از هر دو سوریه‌ای، یک نفر یا پناهنده شده است و یا کوچ کرده است، یعنی جمعیتی برابر با 12 میلیون نفر. دیکتاتوری بشار اسد عامل اصلی این فاجعه بزرگ تاریخی در خاورمیانه می‌باشد. این رژیم، از اوان جنبش مردمی در سال 2011، معروف به «بهار عربی»، با میلیتاریزه کردن بحران سیاسی و اجتماعی سوریه، با کشتار مخالفان و مردم از طریق ارتش و بمباران‌های هوایی (حتا شیمیایی)، با دخالت دادن نیروهای نظامی روسیه، جمهوری اسلامی و حزب الاله لبنان، شرایط را برای هر گونه حل و فصل سیاسی و مسالمت‌آمیز بحران غیر ممکن می‌سازد. نظامی‌کردن بحران سوریه از یکسو و سرکوب شدید نیروهای دموکرات و لائیک این کشور از سوی دیگر، وضعیت بسیار مساعدی برای شکل‌گیری و رشد اپوزیسیون مسلح اسلامی‌گرا و جهادست به وجود می‌آورند. داعش، جبهه النصره، القاعده و دیگر گروه‌های بنیادگرا، سلفیست و غیره، با بهره‌جویی از پشتیبانی و کمک‌های مادی، نظامی و لجستیکی برخی قدرت‌های منطقه، چون عربستان سعودی و ترکیه، به تدریج توانستند خود را به نیروی اصلی و هژمونیکِ مخالفِ رژیم اسد تبدیل نمایند. با تصرف شهر حلب، سرنوشت سوریه امروز، به رغم اعلام "پیروزی" توسط قصاب مردم این کشور، نامعلوم است. اما آن چه که معلوم است، این است که "پیروزی" ای که به قیمت ویرانی کشور، آوارگی مردم، کشتار ده‌ها هزار نفر و انقیاد سوریه به دو رژیم خودکامه ایران و روسیه حاصل شود، هرگز پا بر جا نخواهد ماند.

2- جهادگرایی اسلامی، یکی دیگر از ویژگی‌های اوضاع امروز خاورمیانه است که با برافتادن دیکتاتوری صدام حسین، در پی حمله‌ی نظامی قدرت‌های بزرگ غربی به کشور عراق، و سپس با جنگ داخلی سوریه، رشد و گسترش پیدا می‌کند. جهادگرایان اسلامی موفق می‌شوند دست به سازماندهی سیاسی، نظامی و اقتصادی خود زده، بر سرزمین‌هایی پیوسته در دو خاک عراق و سوریه تسلط پیدا کنند و "دولت" داعش را تشکیل دهند. جهادگرایی اسلامی در خاورمیانه و به طور کلی در جهان

امروز، عامل ساختگی قدرت‌های خارجی و منطقه‌ای نیست، با این که می‌تواند از پشتیبانی آن‌ها، که در جنگ و رقابت با هم هستند، بهره‌مند شود. به طور مشخص، داعش، پایه در شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ناشی از فروپاشی و افول دو رژیم دیکتاتوری بعثی، صدام و اسد، دارد. ریشه در اوضاع عراقی دارد که بخش سنی مذهب آن زیر سلطه و تبعیض یک حاکمیت شیعی قرار دارد. ریشه در اوضاع سوریه ای دارد که رژیم آن، با دست زدن به سرکوب مردم و کشتار جمعی، بخش‌هایی از آنان را به دامان جهادگرایان اسلامی سوق می‌دهد. جهادگرایی اسلامی در شکل داعشی آن، راسیسمی مذهبی است که در آن، "کافر" جای "نژاد" می‌نشیند. فاشیسمی اسلامی است که در آن، پاک سازی دینی و قومی، کشتار مردم، برده‌فروشی زنان، خشونت، تروریسم و... جوهر سیستم را تشکیل می‌دهند.

2- سومین شاخص اصلی بحران خاورمیانه را منطق قدرت و سلطه تشکیل می‌دهد که بر اوضاع این خطه حاکم شده است. تاریخ این سرزمین در سده بیستم را می‌توان تاریخ مداخلات انگلیس، فرانسه، آمریکا و روسیه از یکسو و مبارزه مردم علیه امپریالیسم، استعمار و نواستعمار دانست. قدرت‌های جهانی همواره از دولت‌های دیکتاتوری در خاورمیانه پشتیبانی کرده‌اند. پیمان‌های نظامی بسته‌اند؛ روسیه با سوریه، آمریکا با ترکیه (از طریق سازمان ناتو)، عراق و عربستان سعودی. دست به تجاوز زده‌اند؛ روسیه و آمریکا در افغانستان، آمریکا و هم پیمانانش در عراق، دخالت نظامی اخیر روسیه در سوریه.

با ریاست جمهوری دونالد ترامپ، این عنصر کلان سرمایه‌دار به غایت راست و ارتجاعی، نژادپرست، فاشیست، ناسویال- شوینیست، سکسیست و ضدخارجی... در ایالات متحده آمریکا، می‌توان، در ماه‌ها و سال‌های آینده، در زمینه نقش و مناسبات قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه و فراتر از آن در جهان، شاهد تحولاتی بزرگ باشیم؛ تغییراتی در پیمان‌های بین‌المللی با شکل‌گیری محور جدید آمریکای ترامپ، روسیه پوتین و دولت برکسیت Brexit انگلیس در برابر اتحادیه اروپا؛ پشتیبانی کامل و بی‌دریغ آمریکای ترامپ از دولت اسرائیل، شهرک‌سازها و غیره در تناقض با مصوبات سازمان ملل؛ خروج از قراردادهای بین‌المللی در زمینه ی حفظ محیط زیست و کاهش استفاده از انرژی‌های فسیل و آلوده چون نفت، گاز شلیست و ذوغال سنگ، از جمله عدم مشارکت در بودجه کُپ 21 یا توافق‌نامه آب و هوایی پاریس؛ کارشکنی در اجرای برجام، توافق نامه هسته‌ای با ایران...

4- اما امروزه، ما شاهد پیدایش شرایط جدید دیگری نسبت به سده‌ی

گذشته نیز هستیم. به طور کلی، دوران فرمانروایی بلامنازع قدرت‌های بزرگ جهانی به سر آمده است. امروزه، افزون بر قدرت‌های بزرگ جهانی چون آمریکا، روسیه، اروپای غربی و چین، قدرت‌های نوینی در مناطق مختلف جهان، در تضاد، رقابت و حتا جنگ و ستیز با هم، وارد صحنه بین‌المللی شده‌اند. اینان، گاه در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند و گاه دست به اتحادها و ائتلاف‌هایی می‌زنند که البته همواره ناپایدار و تغییرپذیرند. هر یک از این قدرت‌های استبدادی متوسط یا کوچک، از طریق گسترش نفوذ و سلطه‌ی خود بر منطقه‌ای که در آن قرار دارند، در پی حفظ بقای خود می‌باشند. از این میان، به‌ویژه امروزه، می‌توان جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل را نام برد.

در رابطه با اسرائیل، استراتژی اصلی رژیم آپارتاید و اشغالگر آن عبارت است از جلوگیری از تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی در کرانه‌های باختری رود اردن، از طریق توسل به همه‌ی ابزارها و شیوه‌ها چون جنگ، تجاوز، سرکوب، کلونی سازی و ایجاد شهرک‌های اسرائیلی در سرزمین خودمختار فلسطین و غیره است.

در مورد ترکیه امروز، رژیم شوینیستی- اسلامی آن، در پی کودتای اردوغان، چند هدف را در زمینه‌ی مداخلات سیاسی و نظامی خود در منطقه دنبال می‌کند. از آن جمله است: دفاع از پان‌ترکیسم و جلوگیری به هر وسیله از هرگونه شکل‌گیری خودمختاری مردم کُرد در ترکیه و سوریه.

رژیم اسلامی عربستان سعودی نیز، از یمن تا سوریه با گذر از عراق، نمی‌خواهد از قافله‌ی سلطه طلبی عقب افتد. با فعال شدن دیپلماسی و مداخله‌گری جمهوری اسلامی در منطقه، در پی مذاکرات با غرب و امضای برجام، جنگ تاریخی دو قدرت بزرگ نفتی و اسلامی برای کسب برتری سیاسی، نظامی و ایدئولوژیکی- دینی در خاورمیانه وارد مرحله‌ای نوین می‌شود.

سرانجام در رابطه با جمهوری اسلامی ایران، می‌دانیم که پس از انقلاب بهمن، سیاست نظامی‌گری و سیادت‌طلبی رژیم پهلوی، این بار در راستای جهان‌گشایی اسلامی، با ابعاد وسیع‌تری ادامه پیدا می‌کند. گستره‌ی این هژمون‌طلبی ایرانی، امروزه تمام منطقه را در بر می‌گیرد؛ کشورها و مناطق مختلفی، از یمن، خلیج فارس و عراق، که به تقریب می‌توان گفت تحت قیمومیت ایران درآمده است، تا سوریه و جنوب لبنان، هلال شیعه‌ای را تشکیل می‌دهند که رژیم ایران تلاش دارد آن را منطقه‌ی نفوذ خود کند. در خدمت به این سیادت‌طلبی منطقه‌ای است که

کسب سلاح اتمی، همواره در برنامه‌ی استراتژیکی ایران، چه در زمان شاه و چه پس از آن، قرار داشته است.

شرایط امروز خاورمیانه حکایت از فاجعه‌ای بزرگ می‌کند: جنگ، ویرانی، آوارگی، بحران‌های مختلف، عقب ماندگی، فقر، بنیادگرایی اسلامی و غیره. این‌ها همه از یکسو، نتیجه‌ی منطق سیادت‌طلبی و سلطه‌گری حاکم بر نظم جهانی امروز است و از سوی دیگر، ناشی از حاکمیت رژیم‌های خودکامه و سلطه‌طلب در همه‌ی کشورهای این منطقه. در برابر چنین وضعیتی اما، مردم تحت ستم خاورمیانه نیز در صحنه حضور دارند و به رغم سرکوب، مقاومت و مبارزه می‌کنند. از جمله اشاره کنیم به جنبش‌های اعتراضی، کارگری، مدنی، دموکراتیک... در ایران و ترکیه، در اقلیم کردستان عراق و در شمال سوریه، با تشکیل خودمدیتری دموکراتیک روزاوا در مارس 2016، که جدایی دولت و دین، رهایی زنان، دموکراسی، عدم تبعیض، خودگردانی، تغییرات بنیادین اجتماعی و حفاظت از محیط زیست را اعلام می‌دارد.

امروزه، به رغم جدایی‌های کشوری (دولت- ملت‌های جدا از هم)، جغرافیایی، زبانی، فرهنگی و غیره، همبستگی و همکاری میان جنبش‌های مردمی، مترقی، دموکرات و لائیک در خاورمیانه، که بر استقلال و عدم وابستگی خود به قدرت‌ها و دولت‌ها در منطقه پای‌بند بوده و مخالف هرگونه دخالت قدرت‌های جهانی در تعیین سرنوشت مردمان این سرزمین به دست خود می‌باشند، بیش از پیش برای ادامه‌ی حیات و بقا این جنبش‌ها و کامیابی‌شان حیاتی می‌شوند. تنها از طریق اتحاد و همکاری منطقه‌ای این جنبش‌هاست که می‌توان، با برهم زدن سیاست‌ها و معادلات قدرت‌ها و دولت‌های سلطه‌گر، راه برآمدن خاورمیانه‌ای متحد، آزاد، دموکراتیک، مردمی و صلح‌آمیز را فراهم کرد.

امروزه، جنبش‌ها و کنشگران مترقی و مردمی در جهان، آنان که خواهان تغییرات ساختاری و رادیکال در جوامع خود می‌باشند، در برابر موانع و چالش‌های سترگی قرار دارند: در برابر قدرت‌های حاکم سلطه‌گر از یکسو و جریان‌های ارتجاعی راست، فاشیست، بنیادگرای دینی، ناسیونالیست و غیره از سوی دیگر. اینان در همه جا بر ضد ارزش‌ها، آرمان‌ها و مبارزات رهایی‌خواهانه، برابری خواهانه و بشردوستانه، سر بلند کرده و شمشیر از غلاف برکشیده‌اند.

در این اوضاع تیره و تاریک جهانی، ایران استثنایی را تشکیل نمی‌دهد.

مبارزات اجتماعی در کشور ما، برای تغییر وضع موجود، برای پایان دادن به سلطه‌ی دین و استبداد و برای کسب آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و برابری، با دشواری‌های فراوان رو به رو می‌باشند. با این همه اما، مقاومت‌ها، با فرازو نشیب‌های خود، همواره ادامه دارند؛ اعتصابات کارگری، مقاومت‌های زنان، دانشجویان و جامعه‌ی مدنی، اعتراضات دموکراتیک در میان اقوام ایران و غیره. این مبارزات، زیر سرکوب شدید آزادی‌ها، تحت شرایط سخت اجتماعی و معیشتی و در پراکندگی و جدایی از هم انجام می‌پذیرند. اما در عین حال، این مبارزات، در صورتی که رشد و گسترش یابند، در صورتی که در پیوند، هم‌سویی و هم‌کوشی با هم قرارگیرند، می‌توانند تبدیل به یک جنبش بزرگ اجتماعی در جهت برچیدن نظام جمهوری اسلامی گردند. در این راستا، جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران همواره وظیفه‌ی اصلی خود می‌داند که از مبارزات گوناگون مردم ایران برای آزادی، عدم وابستگی، تأمین اجتماعی و رفاه عمومی و استقرار جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین در ایران پشتیبانی کند.

منشور سیاسی جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

منشور سیاسی

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

مصوبه گردهمایی سراسری هشتم

۲۶ و ۲۷ می ۲۰۱۸ - ۵ و ۶ خرداد ۱۳۹۷

- دفاع از حق حاکمیت مردم ایران، پایبندی به استقلال کشور و مخالفت با مداخله قدرت‌های خارجی در تعیین سرنوشت کشور.
- تلاش در راه استقرار جمهوری مبتنی بر انتخابات آزاد و همگانی با رأی مخفی، برابر و مستقیم شهروندان.

- سپردن ادارۀ کشور به دست نمایندگان منتخب مردم. تفکیک و استقلال قوا، از جمله مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی و مجازی. پایبندی به اصل تناوب قدرت سیاسی و انتخابی بودن مسئولان و گردانندگان کشور.
- جدائی دولت و دین و مسلک. حفظ بیطرفی دولت نسبت به ادیان. نبود دین رسمی در قانون اساسی و سایر قوانین کشور. پایبندی به اصل آزادی ادیان، اعتقادات و وجدان.
- پایبندی به اصل بنیادین آزادی های فردی، از جمله آزادی گزینش شیوۀ زندگی، آرایش و پوشش. پذیرش و دفاع از حقوق و آزادی های مندرج در اعلامیۀ جهانی حقوق بشر (دسامبر ۱۹۴۸) و میثاق های مندرج در منشور بین المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶).
- تأمین آزادی های اجتماعی بنیادی، از جمله آزادی اندیشه، بیان و قلم و تشکیل سندیکاها و اتحادیه های صنفی، انجمن ها، احزاب و سازمان های سیاسی و دفاع از حق اعتصاب و تظاهرات.
- یکسان بودن تمام افراد جامعه در برابر قانون و برخورداری برابر از حقوق فردی و اجتماعی، مستقل از جنسیت، قومیت، اصل و نسب، زبان و کیش و مسلک. پذیرش و دفاع از مفاد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) و نیز مفاد اعلامیۀ حذف خشونت علیه زنان (۲۰ دسامبر ۱۹۹۳).
- لغو مجازات اعدام و ممنوعیت هرگونه شکنجه و مجازات مغایر با شئون و حیثیت انسانی. پذیرش و دفاع از مفاد کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز (۱۰ دسامبر ۱۹۸۴).
- پایبندی به گسترش عدالت اجتماعی، کاهش شکاف های طبقاتی، توزیع عادلانۀ ثروت و ریشه کن ساختن گرسنگی و فقر. تلاش در راه برخورداری هرچه گسترده تر و برابر شهروندان از خدمات آموزشی، درمانی و اجتماعی بنیادی.
- تلاش در راه دستیابی به برابری زنان و مردان و حقوق برابر آنان در همۀ عرصه های زندگی اجتماعی به ویژه در نهادهای سیاسی، اجرائی و قانونگذاری با خلق فرصت های ویژه از جمله سهمیه بندی.
- پایبندی به زدودن ستم ها، نابرابری ها و تبعیض های قومی، فرهنگی و زبانی. توزیع بایسته و عادلانۀ ثروت های ملی برای

رفع محرومیّت های دیرپای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اداری در راه دستیابی به رشدی موزون و پایدار در کشور. سپردن تصمیم گیری ها در امور محلی و منطقه ای به نهادهای منتخب ساکنان. عدم کارگیری قهر و خشونت در حل مسائل ملی-قومی و گشودن مباحثه ای ملی جهت تعیین شکل و چارچوب مطلوب برای تحکیم همزیستی تاریخی و مسالمت آمیز مردم سراسر کشور (خودمختاری، فدرالیسم، انجمن های ایالتی و ولایتی ...). پذیرش و دفاع از مفاد اعلامیّه حقوق اشخاص متعلق به اقلیّت های ملی یا قومی، دینی و زبانی (۱۸ دسامبر ۱۹۹۲).

- پاسداری از محیط زیست و صیانت از منابع طبیعی و کاهش آلودگی ها به عنوان شرط و معیار بهزیستی و رشد پایدار. هواداری از جایگزینی منابع انرژی و تولید حامل های انرژی پایدار به جای حامل های فسیلی. هزینه های عظیم اقتصادی ولطمت جبران ناپذیر برای محیط زیست، ورود به چرخه هسته ای، زندگی مردم و نسل های آینده میهن ما را به خطرمی اندازد.
- پاسداری و مراقبت از میراث های تاریخی و فرهنگی که ثمره تلاش ها و خلاقیت های مشترک مردمان ایرانند و امروز بار دیگر در معرض تعرض و تخریب و تحریف زمامداران متعصب قرار گرفته اند.
- دفاع از صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان ملت ها، در منطقه خاورمیانه و جهانی عاری از سلاح های هسته ای.

راهبرد سیاسی

- خواست ما، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به دست مردم ایران برای استقرار جمهوری، دموکراسی و لائیسیته (جدایی دولت* و دین) در ایران است. ما با تکیه بر شیوهی مسالمت آمیز مبارزه، از همه اشکال مبارزات و اعتراضات مردم برای آزادی و رهایی خود، از جمله قیام و انقلاب، پشتیبانی می کنیم. (* دولت در مفهوم سه قوای قانون گذاری، قضایی و اجرایی و نهادهای همگانی).
- لازمّه گذار دموکراتیک به نظام جانشین، فراخواندن مجلس مؤسسان است که از طریق انتخابات آزاد و با رأی همگانی در شرایط تضمین کامل آزادی های فردی، اجتماعی و سیاسی تشکیل شود. مجلس مؤسسان، نوع نظام آینده را تعیین و قانون اساسی آنرا تدوین می کند و به همه پرسشی می گذارد. ما هوادار نظام جمهوری هستیم.

=====

منشور سیاسی

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

مصوبه گردهمایی سراسری پنجم

۱۹ مه ۲۰۱۳ - ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

- دفاع از حق حاکمیت مردم ایران، پایبندی به استقلال کشور و مخالفت با مداخله قدرت های خارجی در تعیین سرنوشت کشور.
- تلاش در راه استقرار جمهوری مبتنی بر انتخابات آزاد و همگانی با رأی مخفی، برابر و مستقیم شهروندان.
- سپردن ادارۀ کشور به دست نمایندگان منتخب مردم. تفکیک و استقلال قوا، از جمله مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی و مجازی.
- پایبندی به اصل تناوب قدرت سیاسی و انتخابی بودن مسئولان و گردانندگان کشور.
- جدائی دولت و دین و مسلک. حفظ بیطرفی دولت نسبت به ادیان. نبود دین رسمی در قانون اساسی و سایر قوانین کشور. پایبندی به اصل آزادی ادیان، اعتقادات و وجدان.
- پایبندی به اصل بنیادین آزادی های فردی، از جمله آزادی گزینش شیوۀ زندگی، آرایش و پوشش. پذیرش و دفاع از حقوق و آزادی های مندرج در اعلامیۀ جهانی حقوق بشر (دسامبر ۱۹۴۸) و میثاق های مندرج در منشور بین المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶).
- تأمین آزادی های اجتماعی بنیادی، از جمله آزادی اندیشه، بیان و قلم و تشکیل سندیکاها و اتحادیه های صنفی، انجمن ها، احزاب و سازمان های سیاسی و دفاع از حق اعتصاب و تظاهرات.
- یکسان بودن تمام افراد جامعه در برابر قانون و برخورداری

- برابر از حقوق فردی و اجتماعی، مستقل از جنسیت، قومیت، اصل و نسب، زبان و کیش و مسلک. پذیرش و دفاع از مفاد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) و نیز مفاد اعلامیه حذف خشونت علیه زنان (۲۰ دسامبر ۱۹۹۳).
- لغو مجازات اعدام و ممنوعیت هرگونه شکنجه و مجازات مغایر با شئون و حیثیت انسانی. پذیرش و دفاع از مفاد کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز (۱۰ دسامبر ۱۹۸۴).
- پایبندی به گسترش عدالت اجتماعی، کاهش شکاف های طبقاتی، توزیع عادلانه ثروت و ریشه کن ساختن گرسنگی و فقر. تلاش در راه برخورداری هرچه گسترده تر و برابر شهروندان از خدمات آموزشی، درمانی و اجتماعی بنیادی.
- تلاش در راه دستیابی به برابری زنان و مردان و حقوق برابر آنان در همه عرصه های زندگی اجتماعی به ویژه در نهادهای سیاسی، اجرائی و قانونگذاری با خلق فرصت های ویژه از جمله سهمیه بندی.
- پایبندی به زدودن ستم ها، نابرابری ها و تبعیض های قومی، فرهنگی و زبانی. توزیع بایسته و عادلانه ثروت های ملی برای رفع محرومیت های دیرپای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اداری در راه دستیابی به رشدی موزون و پایدار در کشور. سپردن تصمیم گیری ها در امور محلی و منطقه ای به نهادهای منتخب ساکنان. عدم کارگیری قهر و خشونت در حل مسائل ملی-قومی و گشودن مباحثه ای ملی جهت تعیین شکل و چارچوب مطلوب برای تحکیم همزیستی تاریخی و مسالمت آمیز مردم سراسر کشور (خودمختاری، فدرالیسم، انجمن های ایالتی و ولایتی ...). پذیرش و دفاع از مفاد اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، دینی و زبانی (۱۸ دسامبر ۱۹۹۲).
- پاسداری از محیط زیست و صیانت از منابع طبیعی و کاهش آلودگی ها به عنوان شرط و معیار بهزیستی و رشد پایدار. هواداری از جایگزینی منابع انرژی و تولید حامل های انرژی پایدار به جای حامل های فسیلی. هزینه های عظیم اقتصادی ولطمت جبران ناپذیر برای محیط زیست، ورود به چرخه هسته ای، زندگی مردم و نسل های آینده میهن ما را به خطرمی اندازد.
- پاسداری و مراقبت از میراث های تاریخی و فرهنگی که ثمر تلاش ها و خلاقیت های مشترک مردمان ایرانند و امروز بار دیگر در معرض تعرض و تخریب و تحریف زمامداران متعصب قرار گرفته اند.

▪ دفاع از صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان ملت ها، در منطقه خاورمیانه و جهانی عاری از سلاح های هسته ای.

راهبرد سیاسی

▪ خواست ما اینست که نظام بیدادگر جمهوری اسلامی، به ارادۀ مردم و به شیوۀ مسالمت آمیز برچیده شود؛ هرچند که کارنامۀ خشونت بار آن از وجود چنین ظرفیّتی حکایت نمی کند. ما با تکیه بر اشکال مسالمت آمیز مبارزه، از جنبش های اعتراضی و نافرمانی های مدنی مردم علیه بیدادگری و ستم حمایت می کنیم و بر این باوریم که شکل گذار را قدرت حاکم به جنبش مردم تحمیل می کند. قیام علیه جباریّت حق مردم است.

▪ لازمۀ گذار دموکراتیک به نظام جانشین، فراخواندن مجلس مؤسسان است که از طریق انتخابات آزاد و با رأی همگانی در شرایط تضمین کامل آزادی های فردی، اجتماعی و سیاسی تشکیل شود. مجلس مؤسسان، نوع نظام آینده را تعیین و قانون اساسی آنرا تدوین می کند و به همه پرسى می گذارد. ما هوادار نظام جمهوری هستیم.

19 مه ۲۰۱۳ - 29 اردیبهشت ۱۳۹۲

=====

سند سیاسی مصوب گردهمایی سراسری اول جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۱۳ - ۱۵ شهریور ۱۳۸۳ (۳ - ۵ سپتامبر ۲۰۰۴)

جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، در پی برپا کردن یک جنبش ملی و مردمی برای برکناری رژیم پادشاهی و ایجاد یک نظام دموکراتیک و لائیک در ایران، در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۸۳ (۳ سپتامبر ۲۰۰۴) در تهران، جلسه‌ای را برگزار کردند که در آن سند سیاسی مصوب شد. این سند، بیانگر دیدگاه‌ها و خواسته‌های این گروه است.

الف. وجوه مشترك:

در کشور ما ایران، تنها با برچیدن جمهوری اسلامی و مبارزه برای استقرار يك جمهوری مبتنی بر انتخابات آزاد، همگانی با رأی مخفی برابر و مستقیم همه شهروندان، راه گذار به جمهوری، دموکراسی و تحقق آزادیها و حقوق مصرح در زیر هموار میشود:

- دفاع از استقلال کشور و حق حاکمیت مردم ایران و مخالفت با هرگونه مداخله خارجی در حق حاکمیت مردم و در تعیین سرنوشت کشور.

- پایبندی به اصل بنیادین آزادیهای فردی (از جمله آزادی پوشش).

- تعهد به حقوق و آزادیهای مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر [دسامبر ۱۹۴۸ - آذر ۱۳۲۷] و در میثاقهای پیوست آن [میثاق بینالمللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دسامبر ۱۹۶۶ - آذر ۱۳۴۵] و میثاق بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی، دسامبر ۱۹۶۶ - آذر ۱۳۴۵

تأمین آزادی ادیان، اعتقادات، وجدان، اندیشه، بیان، قلم، سندیکا، تشکل، اجتماعات، تظاهرات و اعتصاب.

- برابری حقوقی تمامی افراد جامعه مستقل از جنسیت، زبان، قومیت، اعتقاد، مسلک و شیوه زندگی.

- لغو مجازات اعدام و لغو هرگونه شکنجه و مجازات مغایر با شئون و حیثیت انسانی.

- جدایی دولت از دین و مسلک (ایدئولوژی). نبود دین رسمی.

- لغو هرگونه تبعیض جنسی و پیوستن به کنوانسیون بینالمللی رفع کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ - ۲۸ آذر ۱۳۵۸).

- ایجاد امکانات برای دستیابی به برابری زنان و مردان در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی از جمله در نهادهای سیاسی، اجرایی و قانونگذاری به شیوه‌های گوناگون خاصه سهمیه‌بندی.

- تأمین حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بنیادین که شرط لازم شهروندی برابر است (امنیت، معاش، مسکن، بهداشت، آموزش و کار). تحقق این حقوق منوط است به ایجاد شرایط لازم برای بهره‌برداری

برابر تمام شهروندان از امکانات مادی و معنوی کشور.

- سازمانیابی قدرت سیاسی و دستگاه اداری با رعایت اصل تمرکززدائی و تکیه بر توسعهی دموکراسی محلی. در هر محل و منطقه، تصمیم‌گیری در امور محلی و منطقه‌ای می‌بایست به نهادهای منتخب ساکنان (انجمنها، شوراها، و...) سپرده شود.

راهبردهای سیاسی:

۱- خواست ما این است که این نظام بیدادگر به شیوهی مسالمت‌آمیز برچیده شود؛ هرچند که کارنامه‌ی خشونت‌بار آن از وجود چنین ظرفیتی حکایت نمی‌کند. ما از شکل‌های گوناگون جنبش‌های اعتراضی مردم علیه بیدادگری و ستم حمایت می‌کنیم و برین باوریم که در نهایت، شکل‌گذار را قدرت حاکم به جنبش مردم تحمیل می‌کند. قیام علیه جباریت حق مردم است.

۲- فراخواندن مجلس مؤسسان را لازمی گذار دموکراتیک به نظام جمهوری جانشین می‌دانیم. مجلس مؤسسان منتخب همه‌ی مردم است و بر مبنای انتخابات آزاد و با رأی مخفی و همگانی و در شرایط آزادی کامل مطبوعات، رسانه‌های گروهی، احزاب و سازمان‌های سیاسی تشکیل می‌شود. مجلس مؤسسان نوع نظام جمهوری آینده را تعیین می‌کند و قانون اساسی آن را تدوین می‌کند و به همه‌پرسی عمومی می‌گذارد.

وجوه افتراق:

الف -

با توجه به اینکه کلیه‌ی حاضران بر نکات زیر توافق دارند که ایران کشوری است با قومیت‌های مختلف که همزیستی آنها در طی تاریخ همواره از تبعیضات و نابرابریها و ستمگریهای گوناگون آسیب دیده است؛ و با توجه به اینکه از میان برداشتن نابرابریها و تبعیضات از لوازم حیاتی شکل‌گیری دموکراسی در ایران است و با اذعان به اینکه وابستگی به یک قومیت معین نباید به هیچ وجه مبنای امتیاز و یا موجب محرومیت در هیچ حوزه‌ای از واقعیت اجتماعی باشد، همه‌ی ایرانیان باید به زبان مادری خود سخن بگویند، بنویسند و بخوانند و آموزش ببینند و همه از آزادی کامل برای حفظ و شکوفایی فرهنگ

خود برخوردار باشند و از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در اداره‌ی امور محلی و منطقه‌ای بهره مند بمانند. تحقق چنین شرایطی برای همبستگی مردم ایران جنبه‌ی حیاتی دارد.

...
:...

...
... [*]...

... .

- ...

- ...

- ...

- ...

- ...

- ب

...
:...

...
...

... .

در این مقاله، به بررسی نقش و جایگاه حقوق کیفری در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. حقوق کیفری به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی حقوق، با هدف مجازات مجرمین و تأمین عدالت اجتماعی شناخته می‌شود. در این راستا، به بررسی مبانی فلسفی و حقوقی این شاخه و همچنین چالش‌های پیش‌رو در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

حقوق کیفری در نظام حقوقی ایران، بر مبنای اصول و قواعد حقوقی و فلسفی بنا شده است. این شاخه حقوق، با هدف مجازات مجرمین و تأمین عدالت اجتماعی شناخته می‌شود. در این راستا، به بررسی مبانی فلسفی و حقوقی این شاخه و همچنین چالش‌های پیش‌رو در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. (**)

ج-

در این مقاله، به بررسی نقش و جایگاه حقوق کیفری در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. حقوق کیفری به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی حقوق، با هدف مجازات مجرمین و تأمین عدالت اجتماعی شناخته می‌شود. در این راستا، به بررسی مبانی فلسفی و حقوقی این شاخه و همچنین چالش‌های پیش‌رو در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. (***)

در طی ماه‌های آینده مسائل مورد افتراق موضوع بحث و گفتگوهای روشنگرانه قرار خواهد گرفت تا حصول به توافقی‌های عمومی‌تری را ممکن سازد.

* اطلاعات بیشتر در: ...

در این مقاله، به بررسی نقش و جایگاه حقوق کیفری در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. حقوق کیفری به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی حقوق، با هدف مجازات مجرمین و تأمین عدالت اجتماعی شناخته می‌شود. در این راستا، به بررسی مبانی فلسفی و حقوقی این شاخه و همچنین چالش‌های پیش‌رو در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

حقوق کیفری در نظام حقوقی ایران، بر مبنای اصول و قواعد حقوقی و فلسفی بنا شده است. این شاخه حقوق، با هدف مجازات مجرمین و تأمین عدالت اجتماعی شناخته می‌شود. در این راستا، به بررسی مبانی فلسفی و حقوقی این شاخه و همچنین چالش‌های پیش‌رو در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

در این مقاله، به بررسی نقش و جایگاه حقوق کیفری در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. حقوق کیفری به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی حقوق، با هدف مجازات مجرمین و تأمین عدالت اجتماعی شناخته می‌شود. در این راستا، به بررسی مبانی فلسفی و حقوقی این شاخه و همچنین چالش‌های پیش‌رو در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

